

دوتا ۲۸۰	در میان گذاشتن / ۵۲
T = معلم ۱	S = معلم ۲
یک شاگرد آنچه را که از کتابهای یوشع و داوران آموخته، در میان می‌گذارد	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید . ما دو معلم هستیم که آنچه از رازگهان خود از هفت بخش منتخب در کتابهای یوشع و داوران در عهد عتیق را یاد گرفته ایم با شما در میان خواهیم گذاشت . هفته ای یکبار جمع می‌شویم تا آنچه یاد گرفته ایم را با هم در میان بگذاریم . درحالی‌که به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. عنوان امروز این است : يك شاگرد آنچه را از کتابهای یوشع و داوران آموخته است در میان می‌گذارد .

(S) در میان گذاشتن از فصل‌های انتخاب‌شده از یوشع و داوران

در طول هفته گذشته، یوشع فصل اول، و فصل‌های ۲ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ از داوران را خواندیم و در مورد آنها تعمق و دعا کردیم. اینک از یادداشتهای خود استفاده خواهیم کرد تا حقایق و درسهای مهمی از بعضی از این فصلها در میان بگذاریم و در مورد برخی از بخشهای دشوار گفتگو کنیم.

(T) داوران فصل ۷

میخواهم مطالبی را در مورد جَدئون، از داوران ۷: ۱-۲۲ در میان بگذارم. در این فصل بیان شده که چگونه خدا جَدئون را بر مدیانیها پیروزمند ساخت. داوران ۶: ۱-۶ ذکر می‌کند که چگونه قوم اسرائیل بار دیگر در نظر خدا شرارت ورزیدند. بعنوان مجازات، خدا قوم اسرائیل را بدست مدیانیها تسلیم کرد. مدیانیها قومی بودند که با اسرائیل نسبت دوری داشتند. آنها از نسل ابراهیم و همسرش قطوره بودند (پیدایش ۲۵: ۲) و در صحرایی در شرق اردن می‌زیستند. مدیانیها ۷ سال متوالی، به همراه گله‌ها و شترهایشان به داخل قلمرو اسرائیل حمله بردند. آنها در جای‌جای سرزمین اسرائیل اردو زدند و چارپایان اهلی و محصولات کشاورزی اسرائیل را غارت کردند. درحالی‌که مدیانیها همچون انبوه ملخها در سرزمین اسرائیل خرابی ببار می‌آوردند، اسرائیلیها سعی کردند تا خود و اموالشان را در بلندیها و مکانهای سعب‌العبور کوهها مخفی کنند. مدیانیها اسرائیلیان را به حدی بی‌نوا ساختند تا اینکه آنها نزد خداوند فریاد کمک برآوردند. و خداوند فریاد ایشان را شنید و داوری به آنها بخشید، یعنی جَدئون را.

داوران ۷: ۱-۸ ذکر می‌کند که چگونه خداوند سربازانی را انتخاب کرد که قرار بود اسرائیل را بواسطه آنها پیروزمند سازد. اسرائیل نزد خدا برای کمک فریاد زده بود و اینک خدا می‌خواست به اسرائیل بیاموزد که "راهی از سوی خداوند می‌آید، و نه از سوی داوری همچون جَدئون، و نه حتی از طریق لشکر نظامی. خداوند می‌خواست به اسرائیلیان بفهماند که سردار راستین اسرائیل خود خداوند است". خداوند به جَدئون فرمود: "قومی که با تو هستند، زیاده از آنند که مدیان را به دست ایشان تسلیم نمایم". خداوند به جَدئون امر فرمود: "مبادا اسرائیل بر من فخر نموده، بگویند که دست ما، ما را نجات داد. پس الان به گوش قوم ندا کرده، بگو "که هرکس که ترسان و هراسان باشد می‌تواند برگردد." ۲۲۰۰۰ نفر برگشتند. این رقم بیش از دو سوم تعداد کل لشکر بود. اما حتی ۱۰۰۰۰ نفر باقیمانده نیز خیلی زیاد بودند. بار دیگر خداوند به جَدئون امر فرمود تا این مردان را به چشمه حرود ببرد (آیه ۱)، یعنی همان جایی که باید مردان مورد نظر خود را از دیگران جدا سازد. خداوند این معیار انتخاب را برای جَدئون قرار داد: همه کسانی که آب را با دهان مثل سگ بنوشد، می‌بایست بر گردد. تنها آن کسانی که بر شکم افتاده و آب را از دستان خود می‌نوشیدند می‌بایست انتخاب شوند. این ۳۰۰ تن ثابت کردند که بسیار سریعتر از دیگران بودند و بنابراین نسبت به دیگران، آمادگی بیشتری برای نبرد داشتند.

داوران ۷: ۹-۲۲ ذکر می‌کند که چگونه خداوند اسرائیل را پیروزمند ساخت. خداوند به جَدئون امر فرمود تا بطور مخفی و آهسته به اردوی مدیانیها برود و به آنچه می‌گویند گوش فرا دهد. در آنجا او بطور تصادفی شنید که نگهبانی خوابش را برای نگهبانی دیگر بازگو می‌کند. این سرباز مدیانی خواب دیده بود که گرده‌ای نان جوین به پایین کوه غلطانیده شد و به خیمه او برخورد کرد، بطوری که آن را واژگون ساخت. آن سرباز مدیانی دیگر، این رویا را تعبیر کرد و گفت که این خواب به جَدئون ربط پیدا می‌کند و اینکه خدا مدیانیها و کل اردوی آنها را بدست اسرائیل تسلیم کرده است. "این بروشنی ثابت می‌کرد که خدا با حاکمیت مطلق بر دل و افکار انسانها تسلط داشت و اینکه او از نهانی‌ترین افکار و نقشه‌های دشمنانش بطور دقیق باخبر بود." جَدئون دلگرم شد و نقشه‌ای طرح‌ریزی کرد، اما نه برای جنگیدن با مدیانیها بلکه برای هراسان ساختن آنها. او ۳۰۰ تن مردان خود را به سه گروه ۱۰۰ نفری تقسیم کرد. و به دست هر يك کرنایی داد تا در دست راست، و مشعلی افروخته و سبویی را در دست چپ بگیرند. او به ایشان گفت تا بدنبال دیدن علامتی که او می‌دهد، از نمونه اعمال او پیروی کنند. پس از آغاز دومین شبگردی، این سه گروه، اردوی مدیانیها را محاصره کرده بودند و جَدئون علامت خود را داد. او کرنای خود را نواخت، سبو را با ضربه‌ای شکست، مشعل را به سمت جلو و عقب حرکت داد و فریاد برآورد: "برای خداوند و برای جَدئون". تمامی ۳۰۰ نفر نمونه او را در پیش گرفتند. مدیانیها با وحشت و هراس از خواب پریدند. صدای گوشخراش کرناها این تصور را ایجاد کرده بود که سپاهی عظیم بر آنان حمله‌ور شده است. نور مشعلها از هر سمت اردو سوسو می‌زد و اینچنین بنظر می‌رسید که از همه طرف احاطه شده باشند. شکسته شدن سبوها این تصور را ایجاد می‌کرد که دشمن موفق شده بود بداخل اردو نفوذ کند و هر آنچه را که در پیش رو می‌دید نابود می‌ساخت. و نفیر جنگ "برای خداوند و جَدئون" همه را به هراسی آشفته دچار ساخته بود. مدیانیها سعی کردند فرار کنند، اما دیگران هم که در صدد فرار بودند، مانع راه آنها می‌شدند. از آنجایی که تاریکی برای

بازشناختن دوست از دشمن مانع بود، آنها شمشیرهایشان را به سوی همدیگر نشانه گرفتند. تعداد کثیر مدیانیها، همه چیز را دچار هرج و مرج ساخته بود و همگی آنها بطور کامل همدیگر را نابود ساختند. این واقعه تاریخی "یکبار دیگر ثابت کرد که خداوند می‌توانست قوم خویش به این شکل برهاند که دشمنان، خودشان یکدیگر را هلاک کنند. و همینطور ثابت کرد که خداوند برای انجام مقصود خود در جهان به تعداد کثیری از انسانها نیاز ندارد.

(S) داوران فصلهای ۱۳ الی ۱۵

میخواهم مطالبی در باره سامسون، از داوران ۱۳: ۱ الی ۱۵: ۲۰ در میان بگذارم. در این فصل مهمترین اعمال سامسون در طی داوریش بر اسرائیل ذکر شده است. داوران ۱۰: ۶-۸ ذکر می‌کند که چگونه اسرائیل بار دیگر در نظر خداوند شرارت ورزیدند و بتهای شریر را عبادت کردند. از آنجایی که قوم اسرائیل خداوند را ترک کردند و دیگر او را عبادت نکردند، خداوند بر اسرائیل خشم گرفت و آنها را بدست عمونیان و فلسطینیان تسلیم کرد. عمونیان بمدت ۱۸ سال بر اسرائیل ستم کردند. در همین زمان یفتاح، در مقام داور بر اسرائیل حکومت می‌کرد. "بطور همزمان"، فلسطینیان نیز حداقل به مدت ۴۰ سال بر اسرائیل ظلم روا داشتند، و در همین زمان سامسون بمدت ۲۰ سال در مقام داور بر اسرائیل حکومت کرد. سامسون در حدود سال ۱۱۲۵ قبل از میلاد بدنیا آمد و در حدود ۱۰۸۵ قبل از میلاد از دنیا رفت.

فلسطینیان به احتمال زیاد از کریت به کنعان مهاجرت کرده بودند و تبدیل به قومی قوی شدند و بر اسرائیل ستم روا داشتند. خدا با انتخاب کردن زوجی بدون فرزند که قرار بود پدر و مادر سامسون باشند، نشان داد که همانا او بود که اسرائیل ناتوان را از دست ستمگران زورمند خود رهایی داد. سامسون قرار بود تا نذیره باشد، یعنی کسی که از بدو تولد به خدا اختصاص یافته است. نذیره باید از نوشیدنیهای الکلی پرهیز می‌کرد و هرگز مویش کوتاه نمی‌شد.

روزی، سامسون به تمنه، یعنی یکی از شهرهای فلسطینی رفت، و در آنجا زنی فلسطینی را دید و خواست تا او را به همسری بگیرد. والدین او مخالفت کردند اما بر اساس داوران ۱۴: ۴، آنها نمی‌دانستند که سامسون مقدر شده بود تا وسیله دست خدا برای رهانیدن اسرائیل از دست فلسطینیان باشد. پس "سامسون عمداً دنبال فرصتی برای رویارویی با فلسطینیان می‌گشت". بدون شك سامسون بر اثر انگیزش از سوی روح القدس بود که دنبال چنین فرصتی بود، اما طریق انجام گرفتن آن توسط سامسون نشان می‌دهد که "او وسیله‌ای گناهکار و پرنقص در دست خدا بود". فصلهای ۱۴ و ۱۵ کتاب داوران چهار واقعه از زندگی سامسون را ذکر می‌کنند.

"اولین رویارویی سامسون با فلسطینیان"

هنگامی که سامسون به همراه والدینش برای تدارک ازدواج به تمنه سفر کرد، با دستهای خالی شیری را کشت. او در این مورد چیزی به والدین خود نگفت. کمی بعد، هنگامی که به قصد ازدواج با دختر به تمنه رفت، دید که انبوه زنبوران و مقداری عسل در لانه شیر جای گرفته‌اند. او مقداری از عسلها را با دست برداشت و در بین راه خورد. در اولین روز ضیافت عروسی، او با ۳۰ تن از همراهان فلسطینی خود شرط بست که ایشان نخواهند توانست معمایی را که او مطرح می‌کند حل کنند. معمای او این بود: "از خورنده خوراک بیرون آمد، و از زورآور شیرینی بیرون آمد." هنگامی که همراهان فهمیدند که از عهده حل معما بر نمی‌آیند، عروس را تهدید کردند که در صورتی که سامسون را ترغیب به فاش ساختن پاسخ معما نکنند، او و خانواده‌اش را زنده زنده بسوزانند. در باقی ایام ضیافت، دختر اشک ریخت و سامسون را ترغیب کرد، تا اینکه بالاخره او معمای معما را فاش کرد. همسر سامسون هم آن را به همراهان باز گفت و سامسون شرط را باخت. فلسطینیان بدون اینکه خود بدانند، اولین فرصت را به دست سامسون دادند تا ایشان را از میان ببرد. سامسون در انتظار چنین فرصتی بود. روح القدس خداوند با قدرت بر سامسون نازل شد. این به معنای آن است که روح القدس بر سامسون تسلط یافت و او را به وسیله‌ای برای مجازات فلسطینیان تبدیل کرد. سامسون ۳۰ نفر فلسطینی را کشت و جامه‌های آنان را بعنوان بهای شرط باخته شده به فلسطینیان پرداخت. خداوند از طریق وسیله خود یعنی سامسون، با کسانی که بر قومش، یعنی اسرائیل ستم وارد می‌ساختند جنگید.

"دومین رویارویی سامسون با فلسطینیان"

سپس سامسون برای تحویل گرفتن همسر خود به تمنه بازگشت. پدر فلسطینی همسر سامسون بدون اطلاع او، دخترش را به همسری مرد دیگری داده بود. فلسطینیان بدون اینکه خود آگاه باشند، دومین فرصت رویارویی را به سامسون بخشیدند. سامسون احساس کرد که بر اثر این رفتار خیانت‌آمیز، فلسطینیان شدت انزجار خویش را نسبت به قوم اسرائیل نشان داده‌اند. پس سامسون نه تنها انتقام خود را از پدر همسر خود گرفت، بلکه از فلسطینیان نیز بعنوان يك قوم انتقام ستاند. او ۳۰۰ شغال گرفت و دم‌هایشان را بصورت جفت به هم بست. سپس مشعلی به هر جفت دم وصل کرد، و بعد مشعلها را افروخت و شغالها را در میان باقه‌های غلات فلسطینیان رها کرد. او ضرر زیادی را بر مزارع غلات، تاکستانها و باغات میوه آنها وارد آورد.

"سومین رویارویی سامسون با فلسطینیان"

فلسطینیان همسر سامسون را به همراه خانواده‌اش سوزاندند و کشتند. فلسطینیان بدون اینکه خود بدانند برای سومین مرتبه فرصت هلاکت خود را به سامسون دادند. این عمل آنها بر سامسون ثابت کرد که فلسطینیان بعلت بزدلی، از رویرو شدن با او امتناع می‌ورزند و به طریقه‌های غیر مستقیم او را آزار می‌دهند. پس سامسون تصمیم گرفت تا انتقام مرگ همسرش را بگیرد. او بطرزی کین‌خواهانه بر دسته فلسطینی یورش برد و بسیاری از آنان را هلاک کرد. کتاب مقدس می‌فرماید که سامسون ضربات خردکننده‌ای بر ایشان وارد ساخت، آنچنانکه استخوانهای ساق پا و رانهایشان در هم شکست. این نشان می‌دهد که حتی بدون قدرت روح القدس، سامسون انسانی بسیار قوی محسوب می‌شد و می‌توانست با ضربات دستهای خالی خود، دیگران را بکشد.

"چهارمین رویارویی سامسون با فلسطینیان"

سپس سامسون رفت و در غاری ساکن شد. بسیار عجیب است که سامسون هیچ تلاش نکرد تا قوم اسرائیل را در مقابل فلسطینیان بسیج کند. شاید بدلیل آنکه احساس می‌کرد که او شخصاً دعوت شده بود تا وسیله دست خدا برای مجازات فلسطینیان باشد و اینکه در این مورد به هیچ کمک انسانی دیگری نیاز نبود. سامسون بر فلسطینیان حمله نمی‌کرد، بلکه منتظر می‌ماند تا خود فلسطینیان فرصتی برای رویارویی به او بدهند، یا او را به مبارزه بطلبند، یا رفتاری غیرعادلانه با او داشته باشند. به همین دلیل است که در داوران ۱۵: ۱۱ او به هموطنان اسرائیلی خود اظهار داشت که او فقط با فلسطینیان مقابله به مثل می‌کرد. فلسطینیان بار دیگر بدون اینکه خود آگاه باشند برای بار چهارم فرصتی ایجاد کردند که سامسون هلاکشان سازد. فلسطینیان در مناطق مختلفی از سرزمین اسرائیل پایگاههای نظامی داشتند و اسرائیلیان را مجبور به پرداخت خراج می‌کردند. اینبار، فلسطینیان به یهودیه رفتند و در قلمرو مرزهای یهودیه اردو زدند. آنها علاقه‌ای به حمله به اسرائیل نداشتند، بلکه تنها می‌خواستند سامسون را اسیر سازند. اسرائیلیان هراسان‌تر از آن بودند تا با فلسطینیان مقاومت کنند یا با آنها بجنگند. ایشان حتی با فلسطینیان همکاری کردند و قول دادند تا سامسون را اسیر کنند. اسرائیلیهای بزدل و ترسو ۳۰۰۰ نفر را برای دستگیری سامسون فرستادند. سامسون مایل نبود که با قوم خویش مقابله کند. پس او با کمال میل راضی شد تا اسیر شود و به فلسطینیان تحویل داده شود. سامسون با دو طناب تازه بسته شد و نزد فلسطینیان فرستاده شد. سامسون بدست قوم خویش بدست امتهای تسلیم شد تا کشته شود. بعدها همین اتفاق بر سر عیسی مسیح افتاد. هنگامی که فلسطینیان او را بسته دیدند، بسوی او دویدند و در کمال گستاخی فریاد کشیدند. اما همان موقع روح خداوند با قدرت بر سامسون نازل شد. طنابها همچون کتان سوخته باز شدند. سامسون چانه تازه الاغی را بدست گرفت و با آن هزار نفر از فلسطینیان را کشت. بدین ترتیب وعده خدا در یوشع ۲۳: ۱۰ به تحقق پیوست: "یک نفر از شما هزار را تعاقب خواهد نمود زیرا که یهوه خدای شما، اوست که برای شما جنگ می‌کند" (تثنیه ۳۰: ۳۲).

داوران ۱۵: ۲۰ می‌فرماید: "و او (سامسون) در روزهای فلسطینیان بیست سال بر اسرائیل داوری نمود". در اینجا کار واقعی سامسون در مقام داور اسرائیل پایان گرفت. داوران فصل ۱۶ بیش از آنکه درباره کار او بعنوان داور مطالبی بگوید، چگونگی سقوط و مرگ او را شرح می‌دهد. در تمام طول دوران داوری او، اسرائیلیها در مقابل فلسطینیان کاری صورت ندادند. ظلم و ستم فلسطینیان در تمام طول زندگی سامسون ادامه یافت. تنها در زمان داود بود که ایشان بالاخره بر فلسطینیان غالب آمدند (دوم سموئیل ۸: ۱).

(T) داوران فصل ۱۶

میخواهم مطالبی در باره سقوط و مرگ سامسون از داوران ۱۶ در میان بگذارم. این فصل چیزی در مورد کار سامسون در مقام داور ذکر نمی‌کند، بلکه عواقب غم‌انگیز دور شدن او را از خدا شرح می‌دهد. سامسون در اواخر زندگی خود، بار دیگر به قلمرو فلسطینیان رفت. "سامسون بیش از حد از خود مطمئن و بی‌پروا بود". او در غزه شبی را با فاحشه‌ای گذراند. فلسطینیان از این موضوع باخبر شدند، خانه را محاصره کردند و بر دروازه‌ها نگهبانی دادند. با وجود این، آنها می‌تربسیدند که بر سامسون حمله کنند. سامسون با تسلیم شدن در برابر شهوت خویش، بیهوده زندگی خود را به مخاطره انداخت. شب‌هنگام سامسون از خواب برخاست، و دو در دروازه شهر را از جا کند و با طی مسافتی بیش از ۵۰ کیلومتر، درها را به بالای کوهی در حبرون غربی حمل کرد. او درها را در قلب قلمرو اسرائیل بر زمین گذاشت با این هدف تا با اینکار پیروزی اسرائیل را بر فلسطینیان نشان دهد و باعث هراس آنها در برابر قدرت خدای اسرائیل گردد.

کمی بعد، سامسون بار دیگر به قلمرو فلسطینیان رفت و در آنجا زنی را دید بنام دلایله و عاشقش شد. رابطه سامسون با دلایله با هدف ازدواج شکل نگرفت بلکه بر اثر شهوت بود. "سامسون با اینکار، خدا را تجربه کرد". او بر قدرت خودش متکی شده بود و به سرزمین فلسطینیان رفت تا گناه کند. اما خدا مایل نبود که او اینچنین عمل کند و بنابراین دیدارهای او با دلایله منجر به سقوط و مرگ او گردید. فلسطینیان با پولی کلان به دلایله رشوه دادند تا سامسون را گیر بیندازد و راز قدرت او را کشف کند. دلایله و سامسون هر دو این اشتیاق را یک بازی تلقی می‌کردند. اشتیاق به اینکه سامسون ناتوان به دست فلسطینیان بیفتد. "سامسون وارد بازی بسیار خطرناکی شده بود". سامسون بارها دید که چگونه دلایله در ابتدا با سرزنشها و اشک‌ریختن او را ترغیب می‌کرد تا اینکه بالاخره موفق شد او را گیر بیندازد. با وجود این، سامسون دلایله را رها نکرد زیرا اسیر رابطه شهوت‌آمیزی با او شده بود. هنگامی که دلایله او را با هفت ریسمان تر و تازه که هنوز خشک نشده بود بست و فریاد زد که فلسطینیان برای اسیر ساختن او می‌آیند، او ریسمانها را براحتی پاره کرد. همان اتفاق دوباره در زمانی تکرار شد. آن هنگام که دلایله او را با طنابهای تازه‌ای که قبلاً با آنها هیچ کار نشده بود بست. هنگامی که دلایله هفت گیسوی او را بر تار نورد نساجی بافت و آن را با میخی محکم کرد و فریاد زد که فلسطینیان برای اسیر ساختن او آمده‌اند، او دوباره خود را آزاد کرد. دلایله هر روز سامسون را سرزنش و تحریک می‌کرد تا اینکه بالاخره جاننش را لب رسید و رازش را برای دلایله افشا کرد. او برای دلایله شرح داد که نذیره‌ای است که از بدو تولد به خدا اختصاص یافته و اینکه در صورت تراشیده شدن موی سرش، او نیز همچون دیگران ناتوان می‌شود. دلایله، سامسون را بر زانوانش خوابانید و ترتیب تراشیده شدن موهایش را داد. قدرت سامسون از او خارج شد. بدین ترتیب دلایله بر سامسون تسلط یافت. هنگامی که او فریاد زد که فلسطینیان برای اسیر ساختن او آمده‌اند، سامسون تصور کرد که اینبار نیز همانند دفعات قبل می‌تواند بگریزد. اما "سامسون نمی‌دانست که خداوند از او دور شده است". فلسطینیان چشمانش را کردند و او را با زنجیرهای برنجین بستند و او را در غزه زندانی ساختند و او را مجبور کردند تا ذرت دستاس کند، یعنی کاری که به کنیزان اختصاص داشت.

قدرت سامسون در موی بلندش نبود، بلکه در این واقعیت که خداوند به همراه او بود. هنگامی که سامسون از خداوند دور شد، خداوند نیز او را ترک کرد و سامسون قدرتش را از دست داد. سامسون با برملا کردن رازش برای فلسطینیان، در

واقع با دشمنانش همکاری کرد. سامسون باید می‌دانست که خدای اسرائیل اجازه نمی‌داد که احدی او را به تمسخر بگیرد، یا عطایی را که به او سپرده بود به بازی بگیرد. سامسون باید به تجربه این را می‌فهمید که عطای خدا می‌تواند از کف برود. خلع سلاح شدن سامسون، یعنی سخت‌ترین مرحله زندگی سامسون، که بر زانوان دلیله آغاز شد، بطرزی بیرحمانه در غزه به اوج رسید. "خدا از این موضوع برای مجازات کردن او استفاده کرد تا او رابطه گناه‌آلودش را با دلیله قطع کند و از این طریق او را به سوی توبه نزد خداوند، یعنی خدای کتاب‌مقدس بکشاند." سامسون در حالت تواضع خویش، بار دیگر خود را باز یافت و دیگر بار، خداوند را هم یافت. علامت عینی اینکه خدا او را کاملاً رها نکرده بود این بود که موی سرش دوباره بلند شد. "از همان لحظه سقوط، خداوند مشغول شد تا او را دوباره بلند کند و او را برای لحظه‌ای آماده کند تا او بتواند ننگ و بدنامی را که بر خدای اسرائیل و خودش آورده بود پاک کند."

فلسطینیان ضیافت باشکوهی تدارک دیدند تا پیروزی خود را بر سامسون جشن بگیرند. هزاران نفر در داخل معبد و بر پشت‌بام معبد هجوم آوردند تا سامسون را ببینند. آنها سامسون را مورد تمسخر قرار دادند. بالاخره سامسون را در وسط معبد و بین دو ستون که سقف معبد را برپا نگاه می‌داشت قرار دادند. سامسون نزد خداوند دعا کرد و از او درخواست کرد تا یک مرتبه دیگر به او قوت بدهد. سپس بازوانش را در مقابل دو ستون نگاه داشت و با تمام توان بر آنها فشار آورد. سقف تماماً بر سر حاکمان فلسطینی فرو ریخت و هزاران نفر هلاک شدند. تعداد فلسطینیانی که سامسون به‌هنگام مرگ کشت، بسیار بیش از آنانی بود که در زمان حیات کشته بود. داستان تاریخی سامسون قدرت حاکم خدای کتاب‌مقدس را بطرزی شگرف به تصویر می‌کشد. هنگامی که دشمنان خدا در اوج قدرت خود قرار داشتند، خدا آنها و بتهایشان را بطور کامل پست گردانید، آنها توسط وسیله‌ای مغلوب و بظاهر ناتوان. از این طریق، طبع شوخ خدا نیز نشان داده می‌شد چنانکه داود نیز ذکر کرده است. مزمو ۲: ۲-۴ می‌فرماید: "پادشاهان زمین بر می‌خیزند و سروران با هم مشورت نموده‌اند، به ضد خداوند و به ضد مسیح او... او که بر آسمانها نشسته است می‌خندد. خداوند بر ایشان استهزا می‌کند." در اینجا سامسون نمونه‌ای است از عیسی مسیح، یعنی همان کسی که دقیقاً از طریق مرگ خویش دشمنان خدا را شکست داد و قوم خویش را نجات بخشید (کولسیان ۲: ۱۵).

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول) هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک فصل از کتاب اول سموئیل را بخوانید. فصل‌های انتخاب‌شده عبارتند از فصل‌های ۲ و ۳ و ۸ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸. تعمقات و تفکرات خود را در دفترتان، یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار، با یک دوست یا در مشارکتی خانگی یا گروه شاگردی، کشفیات، درسها و برکات خود را در میان بگذارید.

دوم) کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم....

سوم) هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.